

تربیت و تحول

مقدرات يك ملت وابسته باسلوب تربیت است . برای تفسیر حوادث تاریخ و کشف عواملی که در زیر پرده موجد اتفاقات بزرگ شده باید قبل از هر چیز اصول تربیتی را مورد توجه قرار داد . فلسفه تاریخ اگر برای روشن ساختن حوادث تاریخ از مقررات و نظامات تربیتی يك ملت استفاده نکند ، ناقص و مبهم خواهد ماند . آداب و رسوم و عادات يك ملت که مجموعه روابط انفرادی و اجتماعی را تشکیل میدهد بوسیله دقت در طرز پرورش نژاد نو ، روشن میشود . هر عصری مقتضیات خود را دارد ولی این مقتضیات تحت نفوذ تربیت قرار گرفته است بنابراین برای آنکه نسل آینده را ظرف هدف معینی متوجه سازیم باید حتی المقدور نظارت دقیقی در نظامات تربیتی بعمل آوریم .

باید بشاگرد ها یاد بدهیم که چطور خودشان را بروفق حوائج زندگی تربیت کنند وقتی این نکته را آنها یاد دادیم میتوانیم مطمئن باشیم که در تربیت دیگران دچار اشکال نخواهند شد .

هیچ چیز بقدر تربیت و اصول تربیتی قابل تغییر و تحول نیست ، همانطور که روز ها تو میشود مقتضیات تربیتی نیز تغییر می پذیرد . يك اسلوب عالی و دائمی برای تربیت پیدا نمیتوان کرد زیرا تربیت صحیح باید با مقتضیات روزگار هم دوش شود . غالباً تفاوتی مابین مقتضیات زمان و اصول تربیتی دیده می شود این اصول و مقررات که مولود گذشته است احياناً با مقتضیات کنونی تطبیق نمیکند بهمین جهت هالترین اسلوب تربیت آنست که مثل مایعات در هر ظرفی شکلی مخصوصی پیدا کند و حوائج مادی و معنوی افراد و اجتماعات را در نظر بگیرد .

البته انکار نمیتوان کرد که تربیت همیشه مبادی خود را از گذشته بگیرد ،

روح ما نیز قوه و نیروی معنوی خود را از ایام سلف اقتباس می‌کند ولی در عین حال باید توجه دائمی را مورد توجه قرارداد زیرا تنها باین وسیله میتوان باروزگار پیش رفت .

آنهایکه قبل از مازندگی کرده اند ؛ غالباً سرمایه‌ای از تفکرات و اندیشه های خوب بیادگار گذاشته اند ولی باید اعتراف کرد که قالب افکار آنها باحوائج کنونی مناسبت ندارد و بهمین دلیل باید دائماً آنرا اصلاح و تعدیل کرد .
تربیت صحیح و عالی باید با تحول همراه باشد و دائماً مقررات خود را تغییر دهد و اصلاح کند .

اقتباس از مجله Positiviste

مدرسه

ما عادت کرده ایم مدرسه را از جنبه فردی نگاه کنیم، در نظر ما مدرسه جاییست که شاگرد تحت نظر آموزگار بآموختن علوم مشغول می‌شود. بنا بر این تمام عمر خود را برای تعیین روابط شاگرد و آموزگار صرف می‌کنیم همیشه دقت می‌کنیم که شاگردان خواندن و نوشتن و حساب و تاریخ و جغرافیا را بیاموزند البته این اقدامات بجای خود صحیح است اما نظر ما نباید تا این درجه محدود باشد بایستی هدف عالیتری را تعقیب کنیم و از مدرسه کارهای بیشتری بخواهیم يك پدر از فرزند خود چه انتظار دارد و برای چه او را تربیت میکنند ؟ .. اجتماع پدر بزرگ است ، ملتی که افراد خود را به مدرسه می‌سپارد از آنها همان چیزهایی را انتظار دارد که پدرها از فرزندان خودشان می‌خواهند. باید مدرسه بتواند تقاضای اجتماع را بخوبی انجام دهد و گرنه در ادای وظیفه خود کوتاهی کرده‌است.

اقتباس از «مدرسه و اجتماع» تالیف «جون دیوی»